

اسم اعظم خدا

لحظات آخر عمر تو تصور کن که فرزندت کنارت نشسته. میخوای عصاره‌ی زندگی‌ت رو بهش بگی تو دو تا جمله، سه تا جمله. چی بهش میگی؟ تجربه‌هایی که زیستی رو میخوای تو چند جمله بهش بگی؟

خوب الان به لحظه استپ بزن برگرد عقب تر قطب عالم امکان امیرالمومنین علیه السلام، علم بی نهایت، فردی که گفت: "سلونی قبل ان تفتدونی" از من سوال کنید قبل از اینکه منو از دست بدید. فردی که گفت: من به راه‌های آسمان بیشتر آشنا هستم تا راه‌های زمین.

این فرد در حال احتضاره، در بستر مرگ نشسته و فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، فردی که قراره جانشین اون بشه هم کنارشه. چه وصیتی میکنه این فرد؟ می فرماید که: "اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم" شما رو به تقوای خدا وصیت می کنم و نظم امرتون.

نظم امر یعنی چی؟ یعنی اینکه همه وسایلمون رو بزاریم سر جاشو با هر کس قرار گذاشتیم سر وقت بریم؟ خدا حفظش کنه استادمونو، استادمون می گفت چقدر ساده نگرانه است اگر بخواهیم به این قضیه اینطور فکر کنیم که امیرالمومنین (ع) که علم خدایی داره، علم بی نهایت داره بیاد لحظات آخر بیاد بگه وسایلتون رو بزارید سر جاشو سر وقت برید سر قرار اتون نه!

استادمون می گفت که: اگر از من بپرسید اسم اعظم خدا چیه؟ بهتون میگم انضباط. انضباط نه به معنای مرتب بودن، درسته مرتب بودن یک قسمتی از این انضباطه، اما انضباط رو به سه قسمت تقسیم کرد: یک انضباط سلوکی که همون به معنای انضباط در رفتارها و مرتب بودنو سر جای قرار گرفتن همه چیزو سر وقت حاضر شدن در قراره است این سر جای خود.

که بازم اشاره می کرد که این پایین ترین سطح از انضباطه. مرحله دوم انضباط روانیه، انضباط روانی اینکه روان من درست و اوکی و استاندارد باشه، سر هر چیز به هم نریزم و از مشکلات روانی مثل غیبت و حسد و دروغ و زودرنجی و از این مشکلات به دور باشم و قسمت سوم که مهمترین و ریشه ای ترین قسمت انضباطه، انضباط فکری، متفاوت با روانی.

انضباط فکری یعنی دانسته‌هایی که دارم رو بدونم چطوری ازشون استفاده کنم، چقدر دانسته دارم و هر چقدر اون زیاد تر باشه ارتباط مستقیمی داره با انضباط فکری.

تشخیص تفاوت ها در دو چیز شبیه به هم و شناخت تشابه ها در دو چیز کاملاً متفاوت نسبت به هم. این انضباط های سه گانه هر موقع کنار هم قرار می گیره تبدیل میشه به اسم اعظم خدا. معروفه که با اسم اعظم خدا میشه غیر ممکن ها رو ممکن کنیم و با این انضباط های سه گانه هم همین کار رو میشه کرد. فردی روانش قوی باشه و منضبط باشه. سلوک و رفتار هاش هم منضبط باشه و فکر قوی و قدرتمند و منضبطی داشته باشه میتونه هر غیر ممکنی رو ممکن کنه.